

طراحی مدل حکمرانی خوب بر اساس نامه مالک اشتر و مقایسه آن با اصول حکمرانی خوب بانک جهانی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۱۲ تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۲/۲۸

محمد رضا یوسفی شیخرباط*
فهیمة بابایی**

چکیده

حکمرانی خوب، نظریه جدیدی است که به دنبال پدید ساختن نهادهایی است که به دولت در انجام وظیفه‌های خود مبنی بر فراهم ساختن وضعیت بهتر و رفاه بیشتر برای مردم کمک کند. هدف اصلی تحقیق پیش رو طراحی مدل حکمرانی خوب از عهدنامه مالک اشتر با استفاده از روش داده‌بنیاد و مقایسه مؤلفه‌های حکمرانی خوب مورد نظر بانک جهانی با نتیجه‌های حاصل است. روش تحقیق این مطالعه وصفی تحلیلی بوده و برای استخراج اصول حکمرانی خوب از عهدنامه مالک اشتر، روش داده‌بنیاد استفاده شده است. نتیجه‌های مطالعه نشان داد که دیدگاه امام علی علیه السلام درباره حکمرانی خوب گرچه عنصرهای مشترکی با نظریه حکمرانی خوب بانک جهانی داشته و هر دو حقیقت واحدی از حکمرانی خوب در نظر دارند؛ حال آنکه روش‌های رسیدن به حکمرانی خوب در دو دوره به علت تفاوت‌های ساختاری هر زمان متفاوت است. افزون بر این نکته‌های مورد توجه حضرت علی علیه السلام بوده است که در بانک جهانی توجهی به آنها نشده و آن توجه به تقوا و عبودیت است و نیز حضرت علی علیه السلام دو منبع قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به عنوان منابع مستحکم دینی برای رفع مشکل‌ها در نامه مالک اشتر معرفی می‌کنند که در بانک جهانی چنین منابعی وجود ندارد و دستورهای حکومتی آنها از عقل بشری برگرفته است که به مرور زمان نامعتبر و متغیر خواهد بود.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، عهدنامه مالک اشتر، نظریه داده‌بنیاد.

طبقه‌بندی JEL: Z12, H19, B31, A13

Email: yousefifomidu.ac.ir.

*. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه مفید.

**دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته اقتصاد اسلامی دانشگاه مفید.

Email: babaeifahimeh@yahoo.com.

مقدمه

حکمرانی خوب نخستین بار در دهه ۱۹۹۰ به وسیله بانک جهانی مطرح شد. عدم کامیابی برخی کشورها در انجام وظیفه‌های حاکمیتی خود و نبود دولت کارآمد سبب پیدایش اندیشه حکمرانی خوب شده است. حکمرانی خوب از راه‌های کم کردن میزان اختلال‌های سیاسی و حداکثر ساختن سطح سیاست‌های مطلوب می‌تواند در بهبود فضای کسب‌وکار و به تبع آن ارتقای رشد اقتصادی مؤثر شود. بهبود شاخص حکمرانی خوب دو سازوکار رقابت و پاسخ‌گویی را به عنوان سازوکارهای مؤثر در بهبود حکمرانی معرفی می‌کند.

عهدنامه مالک اشتر^ع یکی از فصول درخشان نهج البلاغه است. امام علی^ع در این نامه، گرچه مالک اشتر^ع را مخاطب قرار داده و قوانین حکومت عدل اسلامی و خط‌مشی و چارچوب آن را بیان فرموده؛ اما واقعیت آن است که تمام حکومت‌ها در تمام مکان‌ها و زمان‌ها، مخاطب این نامه هستند. در این نامه، فشرده‌ای از اندیشه‌های جهان‌تاب حضرت علی^ع به چنان صورت دقیق و عمیقی بیان شده است که می‌توان گفت در آن، تکلیف تمام افراد بشر به عنوان بنده‌ای در برابر پروردگار، به عنوان انسانی در جامعه و هم به عنوان حاکمی که مسئول اجرای احکام اسلامی می‌باشد و نیز به عنوان فردی که تحت حمایت قوانین نجات‌بخش اسلام زندگی می‌کند، به وضوح و دقت روشن شده است. سفارش‌هایی که آن حضرت در این نامه خطاب به مالک اشتر^ع و در حقیقت خطاب به انسان و تاریخ بشریت بیان فرموده است، هر گاه به درستی و کامل اجرا شود، نه تنها ضامن پدید آمدن و حفظ عدالت اجتماعی، امنیت و آسایش جامعه است؛ بالاتر از آن، عامل مهمی است که زمینه‌های مساعدی را در جامعه پدید می‌آورد تا تمام افراد اجتماع با علم و ایمان، به خودسازی پردازند و چنان خود را از رذیلت‌ها و مفسده‌ها پیراسته کنند که همگی به صورت بندگانی مؤمن و صالح برای خداوند متعال^{عزوجل} درآیند و راه نجات و رستگاری را طی کنند (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۹، ص ۲۸).

در تحقیق پیش رو کوشش می‌شود ضمن استخراج اصول حکمرانی خوب از عهدنامه مالک اشتر^ع به مرور نظریه حکمرانی خوب، تبیین شود و در پایان مؤلفه‌های مستخرج از عهدنامه مالک اشتر^ع با مؤلفه‌های مورد نظر بانک جهانی مورد مقایسه قرار خواهند گرفت؛ بنابراین در مقاله به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر خواهیم بود:

الف) اصول حکمرانی خوب در نامه مالک اشتر^ع چیست؟

ب) چه تفاوتی میان این اصول در نامه مالک اشتر^ع و ادبیات متعارف اقتصادی وجود دارد؟

به علت ماهیت اکتشافی موضوع تحقیق، نیازی به فرضیه نیست و روش تحقیق مقاله وصفی-تحلیلی است و برای استخراج اصول حکمرانی خوب از نامه مالک/اشتر^{علیه السلام} از روش داده‌بنیاد استفاده شده است.

ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق

درباره حکمرانی خوب، مطالعه‌های متعددی انجام شده است که برخی از آنها عبارت هستند از: حسین‌زاده بحرینی (۱۳۸۳)، در مقاله «بررسی تطبیقی نظریه حکمرانی خوب با آموزه‌ها و سیره حکومت امام علی^{علیه السلام}» به روش تحلیل محتوا، چگونگی کشورداری حضرت علی^{علیه السلام} را بررسی کرده و نتیجه می‌گیرد آموزه‌های اسلامی، جوهره اصلی نظریه حکمرانی را که اثر رابطه حکمرانان با شهروندان در سطح توسعه و رفاه جامعه است، تأیید می‌کند.

ناظمی اردکانی (۱۳۹۰)، در مقاله «حکمرانی خوب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، با روش وصفی تحلیلی به این نتیجه دست یافت که ساخت حکمرانی خوب در بُعدهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای تأمین امنیت، رفاه و رشد اقتصادی است؛ اما در «حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی» رشد اقتصادی، تأمین امنیت و رفاه جامعه ابزار بوده و هدف تعالی انسان است.

رزمی و صدیقی (۱۳۹۱)، در مقاله «الزامات تحقق حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه انسانی»، در مطالعه‌ای تجربی به دنبال شناخت الزام‌های تحقق حکمرانی خوب برای رسیدن به توسعه انسانی پایدار هستند. نتیجه به دست آمده بیانگر وضعیت نامناسب این شاخص‌ها در سال‌های ۱۹۹۶م-۲۰۱۰م در ایران است.

ناظمی اردکانی (۱۳۹۱)، در مقاله «حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی»، با روش وصفی تحلیلی به این نتیجه دست یافته که هر گونه تصمیم‌گیری در حکمرانی خوب بر مشاهده، عقل و تجربه مبتنی است؛ اما در حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی مبتنی بر مشاهده، عقل، تجربه، وحی و سنت است.

علیپور و رحیمی (۱۳۹۲)، در مقاله «علل شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران و نظریه حکمرانی خوب: مطالعه موردی حکومت ایران در سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۵۷» به روش وصفی تحلیلی به این نتیجه دست یافتند که در مقطع مورد نظر روابط خصومت‌آمیز دولت با جامعه مدنی به گسترش فساد سیاسی، بی‌ثباتی سیاسی و مشارکت سیاسی علیه نظام حاکم انجامید، باعث تسریع سقوط رژیم پهلوی شد.

شاکری (۱۳۹۳)، در مقاله «تأملی بر مؤلفه‌های حکمرانی خوب در نهج البلاغه»، به روش وصفی تحلیلی به این نتیجه دست یافت که امام علی علیه السلام در مقام نظر به حکمرانی خوب باور داشته و در مقام عمل می‌کوشید که آن را در جامعه حاکم کند. به باور وی حکومتی مصداق حکمرانی خوب است که بر ضوابط عقلی، شرعی و مقبول در نزد مردم مبتنی باشد. تحقیق پیش رو به دنبال کشف اصول حکمرانی خوب در نامه مالک اشتر با استفاده از روش داده‌بنیاد و مقایسه آن با اصول حکمرانی خوب در بانک جهانی می‌باشد که در هیچ‌کدام از کارهای انجام‌گرفته این اتفاق نیفتاده است.

استخراج عوامل مؤثر بر حکمرانی خوب در عهدنامه مالک اشتر

۱. روش داده‌بنیاد

برای واژه گراند تئوری (Grounded Theory) در زبان فارسی، معادل‌هایی مانند: نظریه مبنایی، نظریه داده‌بنیاد، نظریه زمینه‌ای، نظریه بنیادی و گراند تئوری ارائه شده است. هر چند اصطلاح «نظریه زمینه‌ای» از نظر لغوی با واژه انگلیسی آن قرابت بیشتری دارد؛ اما واژه «نظریه داده‌بنیاد» از سوی محققان بیشتری مورد استفاده قرار گرفته است (مهرابی، ۱۳۹۰، ص ۱۱).

نظریه داده‌بنیاد به صورت زیر تعریف شده است:

نظریه داده‌بنیاد عبارت است از فرایند ساخت یک نظریه مستند و مدون از راه گردآوری سازمان‌یافته داده‌ها و تحلیل استقرایی مجموعه داده‌های گردآوری شده به منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های نوین در زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین هر گونه فرضیه و آزمون هستند (منصوریان، ۱۳۸۶، ص ۵).

به گفته پاول، روش داده‌بنیاد، نظریه‌ها، مفهوم‌ها، فرضیه‌ها و قضیه‌ها را طی فرایند منظم، به جای استنتاج از پیش‌فرض‌های پیشین یا چارچوب‌های نظری موجود، مستقیم از داده‌ها کشف می‌کند (پاول، ۱۹۹۹م، ص ۶۷). بر این اساس، نظریه‌های استخراج‌شده از روش داده‌بنیاد به صورت استقرایی از پدیده مورد مطالعه، منشعب می‌شوند. این نظریه‌ها از راه جمع‌آوری نظام‌مند داده‌های تجربی و تجزیه و تحلیل آنها کشف و توسعه داده می‌شوند. جمع‌آوری اطلاعات و بسط نظریه، ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. در نظریه داده‌بنیاد، تحقیق با یک نظریه و سپس اثبات آن آغاز نمی‌شود؛ بلکه روند تحقیق با یک حوزه مطالعاتی شروع شده و به تدریج موارد مرتبط پذیرا می‌شوند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸م، ص ۵۰).

روش داده‌بنیاد، مبتنی بر داده‌های موجود و بدون اتکاء به نظریه‌های متعارف، خود به نظریه‌سازی می‌پردازد. این ویژگی باعث شده است که روش نظریه داده‌بنیاد با تحقیق‌های اسلامی سنخیت بیشتری داشته باشد؛ زیرا تحمیل پیش‌فرض‌های محقق بر متون اسلامی و تفسیر به رأی آنها برای انطباق با نظریه‌های برخاسته از رویکردهای تجربی و مادی از سوی اندیشه‌وران مسلمان نکوهش شده است. از سوی دیگر، مرحله‌های انجام نظریه داده‌بنیاد از چگونگی جمع‌آوری داده‌ها تا مرحله‌های دسته‌بندی آنها و تجزیه و تحلیل نهایی و ارائه نظریه، بی‌شبهت با سیره محققان اسلامی نیست (مهرابی، ۱۳۹۰، ص ۲۴).

۲. واژه‌شناسی حکمرانی خوب

با توجه به تعریف‌ها و ویژگی‌هایی که بانک جهانی برای حکمرانی خوب عنوان کرده است، اگر بخواهیم واژه‌ای معادل این مفهوم در نامه مالک/اشتر^{علیه السلام} انتخاب کنیم، همان واژه حکمرانی خوب می‌تواند بیانگر سفارشات حضرت علی^{علیه السلام} به مالک/اشتر^{علیه السلام} باشد.

۳. جمع‌آوری مؤلفه‌های مؤثر بر مفهوم پردازی

در نظریه داده‌بنیاد، نمونه‌برداری با فرایند حس عام و داده‌هایی که تأمین‌کننده اطلاعات اولیه هستند آغاز می‌شود که از آن می‌توان به عنوان نمونه‌برداری نظریه‌مند نام برد. در نظریه داده‌بنیاد، تحقیق با یک حوزه مطالعاتی شروع شده و به تدریج موارد مرتبط پدیدار می‌شود (اخوان و جعفری، ۱۳۸۵، ص ۱۴).

نظریه پردازان داده‌بنیاد از روالی استفاده می‌کنند که مستلزم جمع‌آوری و تحلیل هم‌زمان و زنجیره‌وار داده‌هاست. نمونه‌برداری نظری در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به این معنا است که شکل‌هایی از جمع‌آوری داده‌ها را انتخاب می‌کنند که متن‌ها و تصورات مفیدی را در جهت تولید یک نظریه به دست خواهد داد. این به آن معناست که نمونه‌برداری، ارادی و متمرکز بر تولید یک نظریه است (مهرابی، ۱۳۹۰، ص ۱۸). جمع‌آوری داده‌ها، روندی به طور کامل انعطاف‌پذیر است. متن‌های اسلامی به عنوان اسناد و مدارک از جمله منابع بسیار ارزشمند و مطلوبی هستند که زمینه مناسب برای جمع‌آوری اطلاعات را فراهم می‌آورد. از این رو در تحقیق پیش رو، منبع جمع‌آوری داده‌ها، عهدنامه مالک/اشتر^{علیه السلام} بوده است که از حیث سند در زمره اسناد معتبر اسلامی قرار دارد؛ بنابراین با تکیه بر عنوان تحقیق و تمرکز بر آن به جمع‌آوری داده‌ها جهت تولید نظریه می‌پردازیم.

۴. تفسیر مؤلفه‌ها

بعد از جمع‌آوری داده‌ها، نوبت به تفسیر مؤلفه‌های یافته‌شده در متن عهدنامه مالک اشتر رضی الله عنه می‌رسد. برای تفسیر مؤلفه‌ها، سه فن کدگذاری مبنی بر کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی بیان شده است که در قسمت‌های بعدی به تفصیل به آنها می‌پردازیم.

کدگذاری باز

در این مرحله، بر اساس روش مرسوم در نظریه داده‌بنیاد به هر یک از اجزا عنوانی داده می‌شود که در اصطلاح به آن کد گفته می‌شود. کد باید گویای محتوای داده باشد؛ به طوری که خواننده با مشاهده این عنوان تا حدود فراوانی به مفهوم جمله‌ها پی ببرد (میلز و هابرمس، ۲۰۰۲، ص ۵۱). در اجرای این مرحله برای داده‌های جمع‌آوری‌شده از نامه مالک اشتر رضی الله عنه عنوان‌های مناسبی به عنوان کد برگزیده شد. نتیجه‌های حاصل از کدگذاری باز شامل ۱۱۲ کد است که برخی از آنها (ده مورد) در جدول ۱ نمایش داده می‌شود.

جدول ۱: کدگذاری باز

| شناسه | متن عهدنامه (داده‌ها) | مفهوم (کد) |
|-------|--|--|
| R1 | خراج آن دیار (مصر) را جمع‌آور | جمع‌آوری خراج (مالیات) |
| R2 | با دشمنان مصر نبرد کن | مبارزه با دشمن |
| R3 | کار مردم را اصلاح کن | اصلاح امور مردم |
| R4 | شهرهای مصر را آباد ساز | آبادانی |
| R5 | اطاعت خداوند متعال <small>ﷻ</small> را بر دیگر کارها مقدم دار | تقدم اطاعت خداوند متعال <small>ﷻ</small> بر دیگر کارها |
| R6 | نفس خود را از پیروی آرزوها باز دار | جلوگیری نفس از پیروی آرزوها |
| R7 | نیکوترین اندوخته تو باید اعمال صالح و درست باشد | انجام اعمال صالح بهترین اندوخته حکمران |
| R8 | هوای نفس را در اختیار گیر | کنترل هوای نفس |
| R9 | از آنچه حلال نیست خویش‌داری کن | دوری از حرام |
| R10 | مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز چو نان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی | مهربانی کردن با مردم |

منبع: یافته‌های تحقیق.

کدگذاری محوری

در مرحله کدگذاری محوری می‌خواهیم ارتباط و پیوند این کدها را با یکدیگر نشان دهیم. وظیفه محقق در این مرحله، دسته‌بندی و مقایسه عنوان‌های استخراج‌شده از داده‌هاست. این کار مستلزم صرف وقت و حوصله بسیار است. ابتدا ارتباط بین آنها چندان آشکار نیست. در حقیقت محقق خود را با انبوهی از داده‌های خام روبه‌رو می‌بیند که چندان به هم ربطی ندارند؛ اما با تأمل پیوندها آشکار می‌شود (مهرابی، ۱۳۹۰، ص ۲۱). با مقایسه مفهوم‌های گوناگون، زمینه‌های مشترک بیشتری کشف شده، امکان طبقه‌بندی مفهوم‌های مشابه در قالب طبقه‌بندی‌های یکسان فراهم می‌شود. به این فرایند «روش مقایسه پایدار» یا «روش تطبیق مداوم» گفته می‌شود (سلدن، ۲۰۰۵م، ص ۱۱۹). کدگذاری محوری حکمرانی خوب از نامه مالک/شتر^۱ شامل ۴۶ مؤلفه شده است که بخشی از آنها در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: کدگذاری محوری

| ردیف | مفهوم‌ها | مؤلفه‌ها |
|------|--|---|
| 1 | جمع‌آوری خراج (مالیات) | جمع‌آوری مالیات‌های حکومتی |
| 2 | مبارزه با دشمن | آمادگی برای دفاع از کشور |
| 3 | اصلاح امور مردم، اصلاح امور مردم که مانع دشمنی شود | توجه و رسیدگی به امور مردم |
| 4 | آبادانی، تخفیف در خراج باعث آبادانی شهرها می‌شود | آبادکردن و رونق‌دادن به شهرها |
| 5 | دل‌جویی مداوم حکمران از یتیمان خردسال و پیران سالخورده | عدم غفلت از یتیمان و سالخورده‌گان |
| 6 | وجود رابطه برادری بین مردم و حکمران | توجه به روابط افراد در آفرینش (عدم تبعیض) |
| 7 | اعتدال در حق | با اعتدال عمل کردن |
| 8 | عدالت فراگیر، عدم تساوی در برخورد با نیکوکار و بدکار | عمل بر اساس عدالت |
| 9 | نشستن حکمران با افراد نیازمند در مجلس عمومی | شاخص‌های جلب اعتماد رعیت |

منبع: یافته‌های تحقیق.

کدگذاری انتخابی

همان‌طور که در کدگذاری محوری مشاهده شد، کدها و مفهوم‌های مشابه تحت عنوانی جامع قرار گرفتند و نتیجه‌های حاصل از آن ۴۶ مؤلفه بود. حال در واپسین مرحله از کدگذاری که به کدگذاری انتخابی معروف است، وجوه مشترک مؤلفه‌های سرآمده از مرحله‌های پیشین شناسایی شدند و با توجه به اشتراک‌های آنها در دسته‌بندی کلی‌تر و

محدودتری سامان‌دهی شدند. جدول ۳ کدگذاری انتخابی حکمرانی خوب را بر اساس نامه مالک/اشتر رضی الله عنه نشان می‌دهد. نتیجه‌های حاصل از کدگذاری انتخابی شامل شش مؤلفه است. جدول ۳: کدگذاری انتخابی

| متغیر وابسته (موضوع) | بُعدها | مؤلفه‌ها |
|------------------------------------|------------------------------------|---|
| تأثیر حکومت بر رفاه مردم | مبارزه با فساد | بندگی و ارتباط با خداوند متعال <small>ﷻ</small> |
| | | انجام اعمال عبادی |
| | | مقابله با هوای نفس |
| | | توجه به روابط افراد در آفرینش (عدم تبعیض) |
| | | عدم برتری رئیس و حکمران |
| | | سلب امتیاز از افراد فرصت‌طلب |
| | | تأثیر حکومت فاسد بر رعیت |
| | | توجه به نیازهای حکومتیان |
| | | توجه به حسن سابقه در انتخاب کارگزاران حکومتی |
| | | توجه و زیر نظر داشتن اعمال حکومتیان |
| | | مراقبت پنهانی از افراد حکومتی و توجه به آثار آن |
| | | دورکردن افراد ناشایست از حکومت |
| برخورد قاطع با مفسدان | | |
| پدیدساختن ثبات در جامعه | پدیدساختن ثبات در جامعه | ارتباط رثوفانه با مردم |
| | | پرهیز از ظلم و توجه به آثار آن |
| | | صلح با دشمن و توجه به آثار آن |
| اتخاذ سیاست‌های صحیح به وسیله دولت | اتخاذ سیاست‌های صحیح به وسیله دولت | توجه و رسیدگی به امور مردم |
| | | رفع حاجت‌های مردم در اسرع وقت |
| | | رفتار منصفانه داشتن |
| | | با اعتدال عمل کردن |
| | | جلب رضایت عمومی |
| | | توجه ویژه به مستمندان و نیازمندان |
| | | لزوم رسیدگی شخصی حکمران به برخی امور |

| | | |
|--|------------------------------------|--|
| | | عدم غفلت از یتیمان و سالخوردهگان |
| | | آباد کردن و رونق دادن به شهرها |
| | | توجه به اعطای حق |
| | | اهتمام به انجام به موقع کارها |
| | | معیارهای انتخاب اصلح |
| | | دوری از افراد نالایق |
| | | جمع‌آوری مالیات‌های حکومتی |
| | | اهمیت خراج و مالیات در کشور |
| | | توجه به موقعیت مالیات‌دهندگان |
| | | توجه به آبادانی در جمع‌آوری خراج |
| | | آمادگی برای دفاع از کشور |
| | | مراقبت همیشگی از دشمن |
| | | شاخص‌های جلب اعتماد رعیت |
| | تحت نظارت مردم قرار داشتن حکومت | پنهان‌نبودن از مردم و توجه به عواقب آن |
| | | شفاف‌سازی و توضیح اعمال حکمران برای رفع بدگمانی رعیت |
| | | مراجعه به قرآن کریم و سنت |
| | | مجازات افراد خاطی |
| | احترام مردم و دولت به قوانین | عمل بر اساس عدالت |
| | | احترام و توجه به آداب و رسوم گذشتگان |
| | | نظارت بر بازار |
| | | عبرت‌آموزی از حکومت‌ها، سنت‌ها و روش‌های پسندیده پیشین |
| | تنظیم مناسب قوانین | پدیدآوردن نظام مشورتی |

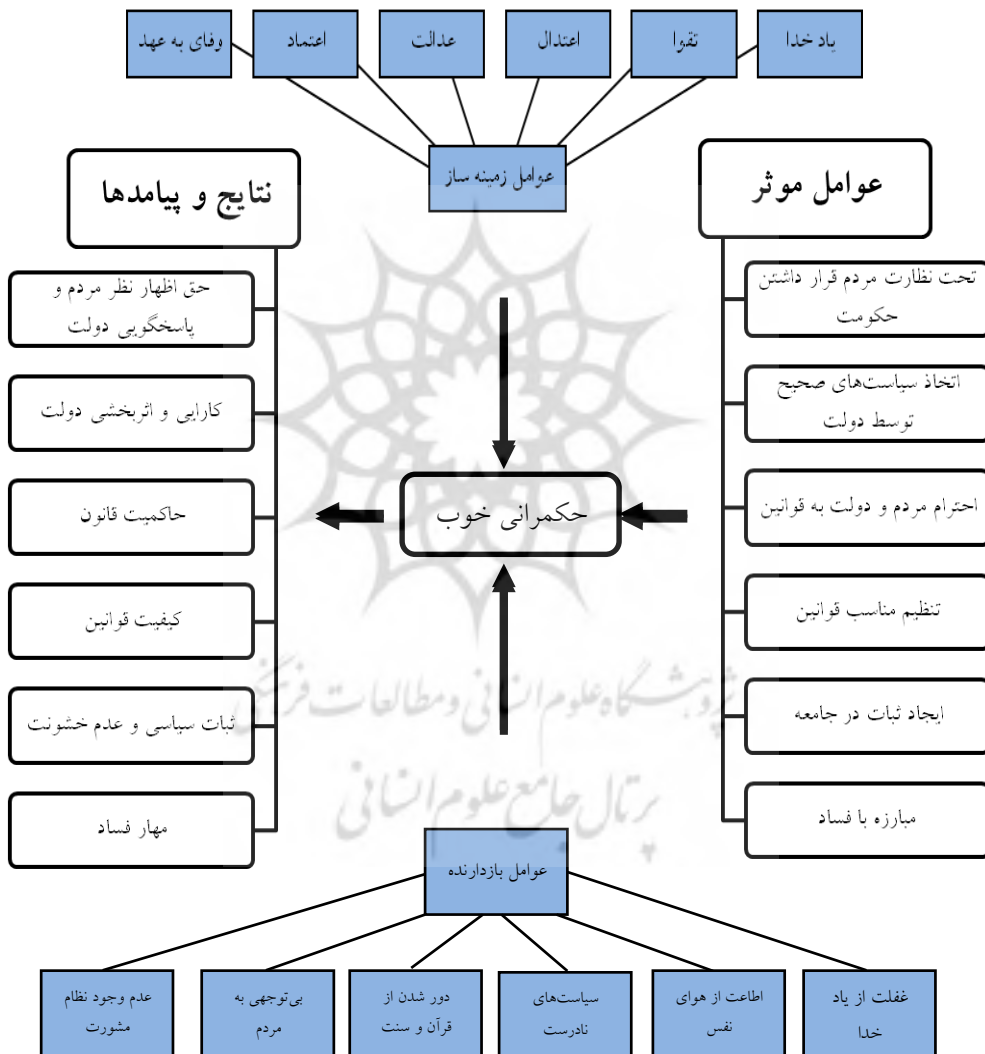
منبع: یافته‌های تحقیق.

مدل‌سازی

در این مرحله به دنبال چارچوب نظری خواهیم بود. این مرحله دست‌آورد طبیعی مرحله کدگذاری انتخابی بوده، تجزیه و تحلیل پایانی به منظور تکوین نظریه در آن صورت می‌گیرد. با توجه به مؤلفه‌های پدیدار شده از دل داده‌ها، تصویر غنی‌تری از مفهوم‌ها و

مؤلفه‌ها، فراهم می‌شود. در کدگذاری انتخابی به پالایش یافته‌های پیشین پرداخته می‌شود و با طی این فرایند، سرانجام چارچوبی نظری پدیدار می‌شود. مدل حکمرانی خوب حاصل از اجرای روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: مدل جامع حکمرانی خوب در عهدنامه مالک‌اشتر



همان‌طور که در جدول ۴ نشان داده شده است مدل جامع حکمرانی خوب در عهدنامه مالک اشتر رضی الله عنه استخراج شد. در ادامه به توضیح مؤلفه‌های حکمرانی خوب و پیشینه آن خواهیم پرداخت.

نظریه حکمرانی خوب و پیشینه آن

از هنگام ظهور علم اقتصاد توسعه در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، سیاست‌گذاری توسعه اقتصادی به سه دوره متمایز قابل تفکیک است. دوره نخست از پایان جنگ جهانی دوم شروع می‌شود و تا اواخر دهه ۱۹۷۰ ادامه می‌یابد. این دوره مقارن با بازسازی ویرانی‌های جنگ در اروپا و طرح مارشال بود و از طرفی تجربه بحران بزرگ ۱۹۲۹ را نیز پشت‌سر داشت. اکثر نظریه‌پردازان و سیاست‌گذاران به دولت بزرگ باور داشتند. در کشورهای در حال توسعه نیز استدلال بر این بود که چون بخش خصوصی توان و سرمایه مورد نیاز برای بسیج توسعه را ندارد، پس دولت منابع لازم را تجهیز می‌کند. این دوره تا اواخر دهه ۱۹۷۰ ادامه یافت. شرکت‌های دولتی در عمل نشان دادند که کارایی و انعطاف‌پذیری لازم را نداشته، در معرض فشارهای سیاسی و تورم نیروی کار قرار دارند و اکثریت آنها زیان‌ده هستند. در این وضعیت دیدگاه طرفداران اقتصاد بازار که خصوصی‌سازی را کمال مطلوب دانسته و خواهان محدود کردن نقش دولت در اقتصاد بودند به شدت رواج یافت. در رویکرد مکتب شیکاگو که در ابتدای دهه ۱۹۹۰ به اجماع واشنگتنی معروف شد باور به قدرت بازارها بوده و کارآمدی رقابت و سازوکار بازار جای تخصیص دولتی منابع را می‌گرفت. طبق این دیدگاه، بازارها بهترین نتیجه‌ها را به بار می‌آورند و قیمت‌ها بهترین تخصیص‌دهنده منابع هستند. هر گونه دخالت دولت را نادرست می‌دانستند. نگاه به دولت از عامل توسعه به جدی‌ترین مانع توسعه تغییر یافت. این دوره که از اواخر دهه ۱۹۷۰ آغاز شده بود در اواخر دهه ۱۹۹۰ پایان یافت و از آن پس موجی تازه از نظریه‌ها و رویکردها آغاز شد. در این زمان بود که حکمرانی خوب مطرح شد که منظور از آن، اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری بر اساس قانون، پاسخ‌گویی و اثربخشی است. در این دوره دولت و بازار هر دو نهادی اجتماعی هستند که از نقیصه‌ها و کاستی‌های گوناگون رنج می‌برند و توسعه در گرو رفع نقیصه‌ها و عیب‌های

نهاد بازار و نهاد دولت است. کلید توسعه در فراهم ساختن شرایط و نهادهایی است که دولت از عهده انجام وظیفه‌های حاکمیتی و پشتیبانی خود برآید و بتواند زمینه‌ساز رشد بازار و هدایت آن به نفع عامه مردم باشد. بعد از بروز جریان حکمرانی خوب ماهیت مسئله تغییر یافت و مسئله کمیت دولت جای خود را به کیفیت مداخله دولت داده است؛ زیرا دخالت دولت ضعیف و بد در اقتصاد، مجموعه‌ای از بحران‌ها و عدم مداخله آن هم بحران‌های دیگری را پدید می‌آورد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۲۶).

درباره حکمرانی خوب، گر چه تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است؛ اما روح کلی حاکم بر تمام آنها چندان تفاوتی نمی‌کند. در ادامه به برخی از این تعریف‌ها اشاره می‌کنیم. ریشه‌یابی کلمه حکمرانی ما را به فعل *kubernan* (راهبری یا هدایت کردن) می‌رساند. این واژه چنان‌که از فرهنگ واژگان *Concise Oxford Dictionary* برمی‌آید هم معنای *Government* (حکومت) بوده است. در اینجا حکمرانی، عمل یا شیوه حکومت‌کردن، مقام یا کارکرد حکومت‌کردن است (کایر، ۱۳۸۶، ص ۳).

در سال‌های اخیر بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان ملل متحد نیز به این مفهوم پرداخته‌اند. برنامه عمران سازمان ملل و تا حدودی صندوق بین‌المللی پول، سیاست حکمرانی خوب را به عنوان کلید معمای توسعه مطرح کرده‌اند. بر اساس تعریف سازمان ملل حکمرانی خوب به صورت زیر تعریف می‌شود:

حکمرانی مجموعه‌ای از اقدام‌های فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه‌ریزی و اداره مشترک امور است و فرایند مستمری از پدیدساختن تفاهم میان منافع متفاوت و متضاد است که در قالب اقدام‌های مشارکتی و سازگار حرکت می‌کند و شامل نهادهای رسمی و ترتیب‌های غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است.

بر این اساس، سازمان ملل متحد حکمرانی خوب را بر سنت‌ها، نهادها و فرایندهایی مشتمل می‌داند که تعیین‌کننده چگونگی گرفتن تصمیم‌های دولتی و چگونگی و میزان اظهار نظر شهروندان در سیاست‌گذاری‌های کشور، کارایی اداره منابع و خدمات عمومی، جلوگیری از سوءاستفاده و چگونگی چاره‌اندیشی و رفع شکایت‌های عموم مردم از سوی دولت است.

بانک جهانی هم در گزارش‌های خود حکمرانی خوب را به عنوان سنت‌ها و نهادهایی تعریف می‌کند که به وسیله آنها قدرت در جهت مصلحت عمومی کشور اعمال می‌شود که بر سه رکن اصلی مشتمل است:

۱. فرایندی که از راه آن صاحبان قدرت، انتخاب، نظارت و تعویض می‌شوند.
۲. دولت برای اداره کارآمد منابع و اجرای سیاست‌های درست، توانایی داشته باشد.
۳. احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که تعامل‌های اجتماعی و اقتصادی میان آنها را اداره می‌کنند.

در تعریف دیگر از یونسکو در سال ۲۰۰۲م حکمرانی خوب به معنای سازوکارها، فرایندها و نهادهایی است که به واسطه آنها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی، منافع مدنی خود را دنبال می‌کنند و حقوق قانونی خود را به اجرا در می‌آورند و تعهداتشان را برآورده می‌سازند (برادران شرکاء، ۱۳۸۶، ص ۴).

بنابراین با توجه به مفهومی‌های طرح شده درباره حکمرانی خوب، می‌توان آن را به یافتن الگو و ترکیب جدیدی از همکاری سه بخش: دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی معطوف دانست. در این الگو سه دید مد نظر است:

- الف) نهادهای مدنی به عنوان مدافع حقوق شهروندی در تقویت مشارکت مردمی به منظور اثرگذاری بر سیاست‌گذاری‌های عمومی؛
- ب) بخش خصوصی عامل تولید در تقویت سرمایه‌گذاری در رشد تولید ناخالص ملی به منظور افزایش درآمد سرانه و پویایی اقتصاد و بازار و فراهم‌ساختن رفاه نسبی؛
- ج) نقش دولت در جایگاه تسهیل‌کننده فعالیت‌های عمومی در فراهم‌سازی محیطی برای توسعه پایدار به منظور ثبات و توسعه عدالت اجتماعی در جامعه ارزیابی می‌شود (نادری، ۱۳۹۰، ص ۷۳).

فلسفه شکل‌گیری نظریه حکمرانی خوب

تقسیم‌بندی کشورها و جوامع به دو گروه کم‌وبیش متمایز «توسعه‌یافته» و «در حال توسعه» پیش از هر چیز بر عملکرد اقتصادی و به طور مشخص نرخ رشد اقتصادی بلندمدت آنها مبتنی است. افزایش رفاه عمومی، برخورداری شهروندان از حقوق و آزادی‌های بشری و

سرانجام رسیدن به ارزش‌های والای انسانی بدون دست‌یافتن به رشد اقتصادی قابل قبول برای مدتی به نسبت طولانی، تحقق و تداوم نخواهد یافت.

سال‌های مدیدی است که اقتصاددانان در پی کشف عامل‌هایی برآمده‌اند که بر سرمایه‌گذاری و رشد اثر می‌گذارند. در مدل‌های سنتی رشد، کشورها و حتی فناوری‌ها، یکسان فرض می‌شدند. این مدل‌ها ریشه تفاوت نرخ سرمایه‌گذاری و رشد در کشورهای گوناگون را به «نرخ پس‌انداز» و «نرخ رشد عوامل تولید» نسبت می‌دادند. در دومین مرحله اقتصاددانان کوشیدند تا با کنترل مدل نسبت به عواملی دیگر مانند سرمایه انسانی، درجه توسعه‌یافتگی بخش مالی و ماهیت و کیفیت سیاست‌های اقتصاد کلان در کشورهای گوناگون، پسماند توضیح داده‌نشده را به کمترین برسانند. در این راه حتی تفاوت کارکرد فناوری در کشورها و منطقه‌های گوناگون مورد نظر قرار گرفت؛ اما باز هم پسماند توضیح داده‌نشده قابل توجه بود. در سومین مرحله، پژوهشگران توجه خود را بر عوامل غیراقتصادی اثرگذار بر سرمایه‌گذاری و رشد متمرکز کردند. توجه به عوامل غیراقتصادی به عنوان سرچشمه دیگری برای ناهمگنی کشورها، این پرسش را مطرح ساخت که چه ارتباطی میان نهادها به طور عام و نهادهای سیاسی و اجتماعی به طور خاص با سرمایه‌گذاری و رشد وجود دارد؟

در این‌باره پژوهش‌های وسیعی به وسیله اقتصاددانان انجام شده و نتیجه‌های قابل توجهی به دست آمده است. موضوع‌هایی مانند میزان نمایندگی دولت‌مردان از طرف مردم، ثبات سیاسی، حدود حاکمیت قانون، خطر بی‌اعتنایی به قراردادها به وسیله دولت، فساد در دستگاه اداری، خطر مصادره دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های خصوصی، برخورداری مردم از حق اظهار نظر و نظارت بر اعمال حاکمان، کارآمدی دولت و موضوع‌هایی از این قبیل، متغیرهای جدیدی بودند که در این مرحله وارد ادبیات سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی شدند. به تدریج این مفهوم‌ها تحت عنوان شاخص‌های حکمرانی شناخته شدند و اثرگذاری قابل توجه آنها بر رشد مداوم اقتصادی به اثبات رسید. به نظر می‌رسد حکمرانی خوب مفهومی است که بیش از مفهوم‌های مطرح‌شده پیشین از توان توضیح‌دهندگی تفاوت عملکرد کشورها را دارد (حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۸۳، ص ۴۷۹).

حضور ناکافی چارچوب‌های قانونی، نظام‌های مالی ناکارآمد، سازوکارهای نظارتی ناکافی، دخالت سیاسی بیش از حد، فساد گسترده در کشورهای در حال توسعه از دیگر دلایل طرح حکمرانی خوب بوده است (دراک و مالیک، ۲۰۰۱م، ص ۷).

گرچه این بار نیز مانند مرحله‌های پیشین، نظریه ارائه‌شده، به عنوان نظریه‌ای عام و جهان‌شمول مطرح شد؛ اما کاربست این نظریه در جوامع گوناگون باید با توجه به ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی جامعه مورد نظر صورت پذیرد؛ به طور مثال، در کشورهای مسلمان اجرای دستورالعمل‌های این نظریه نمی‌تواند بدون توجه به آموزه‌ها، سنت‌ها و نهادهای اسلامی که نقش عمده‌ای در شکل‌گیری بیش و رفتار اجتماعی، اقتصادی مردم و دولت‌های این کشورها دارد، صورت گیرد (حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۸۳، ص ۴۸۰).

مؤلفه‌های حکمرانی خوب

بانک جهانی، حکمرانی خوب را بر اساس شش مؤلفه تعریف کرده و بر اساس این مؤلفه‌ها وضعیت حکمرانی خوب را در دوره ۱۹۹۶م-۲۰۰۲م هر دو سال یک بار در کشورهای گوناگون ارزیابی می‌کند (رزمی و صدیقی، ۱۳۹۱، ص ۴) این مؤلفه‌ها عبارت هستند از:

۱. پاسخ‌گویی دولت و حق اظهار نظر مردم

مقصود از این مؤلفه میزان مشارکت شهروندان در انتخاب دولت و نظام سیاسی است. این مؤلفه بیانگر میزان آزادی بیان، آزادی احزاب و تشکلهای و اجتماعات و آزادی رسانه‌های جمعی است. بر اساس این مؤلفه هر چه مردم در یک جامعه نقش بیشتری در تعیین زمامداران داشته باشند، حضور و نقش احزاب و تشکلهای در جامعه بیشتر باشد و رسانه‌های جمعی و افراد گوناگون بتوانند آزادانه فعالیت و نظر خود را بیان کنند، نشان‌دهنده وضعیت بهتری از حکمرانی خوب است (نادری، ۱۳۹۰، ص ۷۵).

۲. ثبات سیاسی و عدم خشونت

این مؤلفه به میزان ثبات رژیم حاکم و رهبران آن، درجه احتمال تداوم حیات مؤثر دولت و تداوم سیاست‌های جاری در صورت مرگ‌ومیر یا تغییر رهبران و دولت مردان کنونی می‌پردازد (رزمی و صدیقی، ۱۳۹۱، ص ۵).

۳. کارایی و اثربخشی دولت

به این معنا که فعالیت‌های دولت نتیجه‌هایی را به بار بیاورد که نیازهای جامعه را برآورده سازد و دولت از منابع محدود تحت اختیار خود بیشترین استفاده را ببرد. کارایی و اثربخشی دولت می‌تواند به کاهش هزینه‌های اداره امور عمومی و کیفیت بالاتر خدمات دولتی، بهبود کسب‌وکار و آزادی اقتصادی و در نتیجه رفاه بیشتر بینجامد. در حقیقت عملکرد نامناسب دولت‌ها، زمینه سلب اعتماد شهروندان و در نتیجه افزایش دغدغه‌های ذهنی آنان را فراهم می‌آورد (دانایی فرد، ۱۳۹۱، ص ۵۲).

۴. کیفیت قوانین و مقررات

منظور میزان مقررات اضافی و دست‌وپاگیر و هزینه‌های ناشی از آن است (قلی‌پور، ۱۳۸۴، ص ۱۱۶).

۵. حاکمیت قانون

حاکمیت قانون معرف میزان احترام شهروندان و دولت‌مردان یک کشور برای نهادهایی است که با هدف وضع قوانین، اجرای آنها و حل اختلاف‌های پدید آمدند، می‌باشد؛ بنابراین تعریف، زمانی می‌توان ادعا کرد در یک جامعه قانون حاکم است که سه شرط تأمین شده باشد: الف) حمایت از افراد در برابر دزدی، خشونت و دیگر اقدام‌های غارتگری؛ ب) حمایت در برابر اقدام‌های خودسرانه دولتی که فعالیت‌های اقتصادی را مختل می‌کند؛ ج) شرط سوم وجود نظام قضایی قابل پیش‌بینی و منصف. تضمین حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادها کلیدی برای هدایت صحیح منابع به سرمایه‌گذاری‌های مولد و جلوگیری از اتلاف آن در فعالیت‌های رانت‌جویانه است و ناتوانی یک جامعه در فراهم‌آوردن سازوکارهایی برای تضمین قراردادها به شیوه‌ای کارا و کم‌هزینه یکی از مهم‌ترین دلایل توسعه‌نیافتگی‌های کشورهای جهان سوم است. وقتی این احتمال وجود دارد که شریک تجاری افراد - که ممکن است دولت نیز باشد- از قراردادها پیروی نکند، ریسک افزایش یافته، رشد تولید کمتر می‌شود (برادران شرکاء و ملک الساداتی، ۱۳۸۷، ص ۳۶).

۶. مهار فساد

این مؤلفه مفهوم‌هایی مانند فساد در میان مقام‌های رسمی، اثربخشی تدبیرهای ضد فساد، اثر آن بر جذب سرمایه‌های خارجی، پرداخت اضافی یا رشوه برای گرفتن مجوزهای اقتصادی را اندازه‌گیری می‌کند (مبارک و آذرپیوند، ۱۳۸۸، ص ۱۹۰).

مؤلفه‌های پیش‌گفته ملاک سنجش حکمرانی خوب در کشور است. به این معنا که هر چه دولت پاسخ‌گو و کارآمدتر، ثبات سیاسی بیشتر، مقررات اضافی و هزینه‌های آن کمتر، حاکمیت قانون گسترده‌تر و فساد محدودتر

باشد، حکمرانی بهتر است (قلی پور، ۱۳۸۴، ص ۱۱۶). در این قسمت ارتباط بین این شش مؤلفه با ارکان تعریف بانک جهانی از حکمرانی خوب را مورد بررسی قرار داده و در جدول ۱ نمایش می‌دهیم.

جدول ۱: ارتباط مؤلفه‌های حکمرانی خوب با ارکان تعریف آن به وسیله بانک جهانی

| ردیف | متغیرها | مؤلفه‌ها |
|------|--|------------------------------------|
| ۱ | فرایند انتخاب، عزل و نظارت بر حکومت | پاسخ‌گویی دولت و حق اظهار نظر مردم |
| | | ثبات سیاسی و عدم خشونت |
| ۲ | ظرفیت دولت برای اداره کارآمد منابع و اجرای سیاست‌های درست | کارایی و اثربخشی دولت |
| | | کیفیت قوانین و مقررات |
| ۳ | احترام مردم و حکومت بر نهادهای حاکم بر تعامل‌های اقتصادی و اجتماعی | حاکمیت قانون |
| | | مهار فساد |

منبع: امیدی، [بی تا]، ص ۹۸.

همان‌طور که از جدول مشخص است، رکن اول تعریف بانک جهانی از حکمرانی خوب با دو مؤلفه پاسخ‌گویی دولت و حق اظهار نظر مردم و نیز ثبات سیاسی و عدم خشونت ارتباط دارد که بیانگر برخورداری حکومت از انتخاب و رأی عمومی و پاسخ‌گوبودن دولت درباره اعمال و اقدام‌های خود است.

رکن دوم تعریف بانک جهانی با دو مؤلفه کارایی و اثربخشی دولت و کیفیت قوانین و مقررات ارتباط دارد که این ارتباط بیانگر این مطلب است که دولت باید توانایی قانون‌گذاری مطلوب و حذف مقررات دست‌وپاگیر را داشته باشد و نیز سیاست‌هایی را برای کشور در نظر بگیرد که بیشترین فایده را داشته باشد. سرانجام رکن سوم تعریف بانک جهانی از حکمرانی خوب با دو مؤلفه حاکمیت قانون و مهار فساد در ارتباط می‌باشد که از میزان احترام مردم و صاحبان قدرت برای نهادهایی حاکی است که با هدف وضع قوانین، اجرای آنها و حل اختلاف‌ها پدید آمدند.

راهکارهای تحقق حکمرانی خوب

زمانی کشورها بر این باور بودند که عملکرد خوب اقتصادی مستلزم اقتصاد بازار، ثبات اقتصاد کلان و واقعی کردن قیمت‌هاست؛ اما عملکرد خوب بازار نیازمند تنظیم مالی صحیح، سیاست‌های رقابتی و سیاست‌هایی برای تسهیل انتقال فناوری و ترغیب به شفافیت است (قلی پور، ۱۳۸۴، ص ۷۳).

تمرکززدایی

دولت‌های غیرمتمرکز به نیازهای شهروندان پاسخ‌گوتر بوده، تجهیز منابع آسان‌تر انجام شده، دست‌یابی به هدف‌ها با کارایی بیشتری صورت گرفته، هزینه‌ها کاهش یافته و سطح مشارکت بالا می‌رود؛ البته این مسئله می‌تواند باعث بدتر شدن نابرابری‌های منطقه‌ای شود؛ زیرا مناطق ثروتمندتر می‌توانند درآمد مالیاتی بیشتری داشته باشند و خدمات بهتری ارائه کنند. مزیت‌های عدم تمرکز بستگی به ساختار قدرتی دارد که دسترسی به قدرت به صورت گسترده‌ای بین همه توزیع شده باشد. از سوی دیگر عدم تمرکز ممکن است فقط به تقویت تمسک به نخبگان قدرتمند محلی بینجامد. به این جهت تمرکززدایی باید به حوزه‌های مناسب فعالیت‌ها محدود شده و در برخی مناطق نیز دولت مرکزی فعال شود؛ به طور مثال، در حوزه‌هایی مانند وضع قوانین حقوقی، قوانین مربوط به حقوق بشر، امور قضایی، پولی و ... دولت مرکزی باید فعال باشد (استریتن، ۱۹۹۶م، ص ۲۲۴).

جامعه مدنی

کم‌ویش دولت و بخش خصوصی با وجود اینکه به هم نیاز دارند اما در صدد تضعیف و تخریب یکدیگر نیز بر می‌آیند. دولت‌ها با وضع بیش از حد قوانین و مقررات، اعطای مجوزهای خاص و گسترش دیوان‌سالاری به بازار لطمه می‌زنند. بخش خصوصی نیز از راه دادن رشوه، اعمال فشار و بده بستان برای رسیدن به هدف‌های خود به تخریب دولت می‌پردازد؛ بنابراین ضرورت وجود جامعه مدنی آشکار می‌شود. جامعه مدنی می‌تواند نقش مهمی در پدیدساختن ارتباطات سازنده بین دولت و بازار داشته باشد (همان، ص ۲۲۶).

راهبرد چند وجهی مبارزه با فساد

۱. رقابت و ورود

در برخی از کشورهای در حال توسعه، یکی از سرچشمه‌های اصلی فساد کله‌گنده‌ها، تمرکز قدرت اقتصادی در دست انحصارهایی است که از نفوذ سیاسی خود در دولت برای کسب منافع خصوصی استفاده می‌کنند. در این حالت انحصارزدایی، مقررات‌زدایی، تسهیل ورود - خروج و ارتقای رقابت، اهمیت حیاتی دارند (توماس، ۲۰۰۰م، ص ۳۱۹).

۲. پاسخ‌گویی رهبری سیاسی

در کشورهای گوناگون اقدام‌هایی برای بازبینی و ترازسازی رهبر سیاسی و مقام‌های ارشد طراحی می‌شود و فعالیت‌های آنان در چارچوب تعهداتشان به حکمرانی خوب و مبارزه با فساد تحت نظارت قرار می‌گیرد. این کار از راه افشای عمومی و شفاف فعالیت‌ها، وضعیت مالی و درآمد و دارایی آنان صورت می‌گیرد (همان، ص ۳۲۱).

هر گونه عملیات مبارزه با فساد زمانی به نتیجه می‌رسد که سه گروه اصلی: دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی به صورت مشترک با یکدیگر کار کنند. یکی از روش‌های اصلی در مرحله‌های مبارزه با فساد، اصلاحات نهادی است. در این باره به ابزارهای تشخیصی مانند نظرسنجی نیاز است. به این منظور نهادهای مستقل مدنی باید نظرسنجی‌هایی از خانوارها، بنگاه‌های خصوصی و مقام‌های دولتی درباره درجه شیوع و هزینه فساد کنند تا توجه سیاست‌گذاران و جامعه را به نهادها و نه افراد جلب کرده و اولویت‌ها مشخص شود. نشر اطلاعات درباره فساد، باعث تقویت و بسیج افکار عمومی شده، معیاری برای اندازه‌گیری مطابقت اصلاحات ارائه می‌کند (بانک جهانی، ۱۹۹۹م، ص ۶۵۵).

۳. دستگاه‌های اداری شایسته‌سالار و خدمت‌محور

جذب نیرو و ارتقای شغلی بر اساس شایستگی در برابر عزل و نصب‌های سیاسی و وابستگی‌های باورمندانه با کارآمدی دولت و کنترل فساد هم‌بستگی مثبت دارد. اصلاحات در این عرصه شامل پدیدساختن نهادهای مستقل و حرفه‌ای به منظور پدیدآوردن بازبینی و ترازسازی و معرفی نوعی نظام مدیریت عملکرد جامع است که نظام پرداخت و ارتقای شغلی را به عملکرد مرتبط می‌سازد (توماس، ۲۰۰۰م، ص ۳۲۱).

۴. شفافیت و پاسخ‌گویی در مدیریت هزینه‌های عمومی

نظام‌های پایه‌ای پاسخ‌گویی در تخصیص و استفاده از هزینه‌های عمومی، یکی از ارکان بنیادی حکمرانی خوب است. پاسخ‌گویی در مدیریت هزینه‌های عمومی، مستلزم وجود شرایط زیر است:

الف) بودجه جامع و فرایند بودجه مشورتی؛

ب) شفافیت در استفاده از هزینه‌های عمومی؛

ج) رقابتی بودن مناقصه‌های دولتی؛
د) حسابرسی بیرونی مستقل.

کاهش فساد، مستلزم پیروی جدی از معیارهای شفافیت، مناقصه رقابتی برای قراردادهای عمده، و به حداکثر رساندن حوزه مراقبت و نظارت عمومی است. انقلاب فناوری اطلاعات این فرایند را تسریع می‌کند (همان، ص ۳۲۲).

ترویج حاکمیت قانون

مفهوم حاکمیت قانون نفی حاکمیت افراد قدرتمند است. این تعریف نقطه عطف چالش موجود در بسیاری از کشورهاست که در آنها سیاست‌مداران قدرتمند، رهبران، نخبگان صاحب نفوذ اغلب بر فعالیت‌های مجلس، قوه قضاییه و نهادهای مجری قانون مانند پلیس اعمال نفوذ دارند. این کشورها اغلب مجموعه کافی از قوانین را در کتاب‌ها دارند؛ اما در پیاده‌کردن و اجرای مؤثر آن با ناکامی روبه‌رو هستند (همان، ص ۳۲۳).

مقایسه مؤلفه‌های حکمرانی خوب از دید امیر مؤمنان علیه السلام با اقتصاد متعارف

مؤلفه‌های مورد نظر حضرت علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر رضی الله عنه با مؤلفه‌های مطرح‌شده از سوی بانک جهانی ارتباط دارند. هدف‌ها در هر دو مورد یکی است؛ اما آنچه که اهمیت دارد چگونگی دستیابی به این هدف‌هاست. وجود حکمرانی خوب در قرن‌ها پیش به وسیله امام علی علیه السلام ضروری دانسته شد و در زمان حال نیز مورد توجه و اهمیت قرار گرفته است؛ اما با توجه به ساختارهای گوناگون دو زمان و تفاوت بسترهای این دو زمان آنچه که مهم است چگونگی دستیابی به حکمرانی خوب است؛ به این معنا که حضرت علیه السلام چه ابزارها و روش‌هایی برای دستیابی به هدف‌های حکمرانی خوب مطرح کرده‌اند و بانک جهانی چه ابزارها و روش‌هایی را برای رسیدن به آن مطرح می‌کند. آنچه در این قسمت مورد توجه است بیان ابزارها و شیوه‌های متفاوت رسیدن به حکمرانی خوب می‌باشد؛ بنابراین به بیان ارتباط مؤلفه‌های عهدنامه و بانک جهانی و ابزارهای تحقق آنها می‌پردازیم.

تحت نظارت مردم قرار داشتن حکومت

مؤلفه اول حکمرانی خوب که از عهدنامه مالک اشتر رضی الله عنه استخراج شد، نظارت مردم بر حکومت است که با مؤلفه حق اظهار نظر مردم و پاسخ‌گویی بانک جهانی تطابق دارد.

ابتدا باید توضیح داده شود که منظور از پاسخ‌گویی چیست؟ پاسخ‌گویی فقط به عنوان شرح عملکرد و وظیفه‌های حکمران به صورت یک‌طرفه نیست بلکه پاسخ‌گویی به معنای برخوردی قاطع و جدی با حکمران و پرسش از چگونگی عملکرد وی است که اگر حکمران نتواند پاسخ قانع‌کننده‌ای دهد، طبق رکن اول تعریف بانک جهانی از حکمرانی خوب، مردم حق عزل حکمران و انتخاب حکمران جدید را داشته باشند. از دیگر عوامل پاسخ‌گویی حکمران، پدیدساختن شفافیت در اعمال وی است که این کار از راه مطبوعات، روزنامه، رادیو، تلویزیون، ماهواره و ... صورت می‌پذیرد. از طرفی هم باید به این مسئله اشاره کرد که نظارت مردم بر حکمران به چه شکل است. مردم برای نظارت بر حکومت باید در امور کشور مشارکت داشته باشند؛ اما به علت وجود تعداد جمعیت فراوان امکان بررسی و اظهار نظر در امور کشور به وسیله خود مردم وجود ندارد؛ بنابراین مردم نمایندگانی از طرف خود به نام نهادهای مدنی برای نظارت بر امور کشور انتخاب می‌کنند. در حقیقت مشارکت مردم از راه نهادهای مدنی انجام می‌شود. همچنین وجود نهادهای خبرنگاری، رسانه‌ها و ... در نظارت از طرف مردم مؤثر هستند. در زمان حضرت علی علیه السلام چیزی به عنوان نهادهای مدنی، روزنامه، رسانه و ... نبوده است؛ بلکه این نظارت به وسیله رؤسای قبیله‌ها به نمایندگی مردم صورت می‌گرفته است.

حضرت علی علیه السلام حق پرسش از تمام ارکان حکومت را برای مردم به رسمیت شناخته و پاسخ‌گویی در برابر پرسش‌های مردم را بر حکومت واجب دانسته و در این‌باره خطاب به مالک اشتر رضی الله عنه می‌فرماید:

و اگر رعیت بر تو گمان ستم برد، آشکارا به مردم توضیح ده و عذر خود را نزد آنان بیان کن و با این کار آنها را از بدگمانی بیرون بیاور که اگر چنین کنی، این کار تو برای تو ریاضت است و برای مردم رفتاری به مدارا و محبت و صراحت‌گویی در بیان عذر و در نتیجه، استوار داشتن توده‌ها در راه حق (نهج‌البلاغه، ن ۵۳).

همچنین امام علی علیه السلام درباره چگونگی ارتباط حکمران با مردم به مالک اشتر رضی الله عنه می‌فرماید: پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند تا شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی و در مجلس عمومی با آنان بنشین و سربازان، یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخن‌گوی آنان بدون اضطراب در سخن‌گفتن با تو گفت‌وگو کند. من از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بارها شنیدم که می‌فرمود: «ملتی که حق ناتوانان را از زورمندان بی‌اضطراب و بهانه‌ای باز نستانند رستگار نخواهد شد».

پس می‌توان اذعان داشت که در آن دوره پاسخ‌گویی حکمران برای مردم از راه نشستن در مجالس عمومی با مردم و شنیدن اندیشه‌ها، بیان‌های مردم و پاسخ‌دادن به آنها بوده است؛ در حالی که اکنون مجالست حکمران با مردم به این شکل نیست؛ بلکه مردم از راه احزاب و رسانه‌ها اظهار نظر می‌کنند و حکمران هم از راه همین احزاب، رسانه‌ها، رادیو و تلویزیون و ... پاسخ‌گوی مردم خواهد بود.

سیاست‌گذاری صحیح به وسیله دولت

این مؤلفه به ظرفیت و توانایی دولت برای اداره کارآمد کشور اشاره دارد. حکمران برای کارآمدی دولت باید در انتخاب کارگزاران خود نهایت دقت را کند تا افراد شایسته انتخاب شوند. برای این منظور از نظام‌های استخدامی استفاده می‌کند تا توانایی‌های افراد مورد آزمون قرار گرفته شود و بهترین‌ها از نظر قدرت و استعداد اجرایی انتخاب شوند. همچنین دولت باید نقشش را با توانمندی‌هایش هماهنگ و متناسب سازد. پیش‌تر برخی از روش‌های کارآمدی دولت بیان شد.

امام علی علیه السلام درباره افزایش کارایی دولت راه‌هایی را پیشنهاد می‌کند. در حقیقت حضرت علیه السلام در صدر منشور خود خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «این فرمانی است از علی امیر مؤمنان به مالک اشتر فرزند حارث در پیمانی که با وی می‌بندد، هنگامی که وی را به حکومت مصر می‌گمارد تا خراج آن دیار را جمع آورد و با دشمنانش نبرد کند، کار مردم را اصلاح و شهرهای مصر را آباد سازد».

از نظر امام علی علیه السلام، مملکتی که با دریافت مالیات از نظر هزینه و بودجه تأمین است، از لحاظ دفع دشمن نیز توان دفاعی قوی داشته، امنیت جامعه را تأمین می‌کند، در این صورت کار مردم اصلاح و شهرها آباد می‌شود؛ بنابراین مالک اشتر در جایگاه حاکم و والی مصر نباید برای خود عنوان و قدرتی کسب کند یا به دنبال سود و بهره مادی باشد؛ بلکه باید اداره امور کشور را به عهده گیرد و مالیات بستاند و با دشمنان مردم مبارزه کند و ملت را در برابر دشمنانش مصونیت بخشد و آنها را به اصلاح مادی و معنوی نزدیک کرده و شهرها و حیطة حکومت را آباد کند؛ یعنی سرزمین را آباد، اخلاق و ارزش‌های معنوی را ارتقا دهد. با استناد به این فرمان می‌توان بخشی از آرمان‌های اساسی حکومت را نظم

اقتصادی، تأمین امنیت، توجه به رشد، اصلاح و تربیت و بالندگی افراد، آبادانی مملکت و تأمین رفاه عمومی دانست. امام علی علیه السلام در بحث جمع‌آوری مالیات و گرفتن خراج، در عهدنامه مالک اشتر رضی الله عنه تأکید بسیاری بر توجه حکومت به تولید و عمران دارد.

از فرمایش‌های امام علی علیه السلام درباره وظیفه‌های حاکم می‌توان به این نکته دست یافت که وی به اصل اثربخشی اقدام‌های دولت پای‌بند بودند و تمام کوشش خود را برای تحقق عدالت، تأمین سعادت مادی و معنوی و توجه به رشد و بالندگی مردم به کار می‌بست.

در حقیقت شایسته‌سالاری مورد توجه امام علی علیه السلام و بانک جهانی است؛ چون یکی از راه‌های افزایش کارایی انتخاب افراد بر اساس توانایی‌های بیشتر آنها و ویژگی‌های اخلاقی بهتر است که در این‌باره حضرت علیه السلام به انتخاب قاضی، فرمانده سپاه و ... به مالک رضی الله عنه سفارش می‌کند که افرادی با ویژگی‌های زیر را انتخاب کند:

کسی را به عنوان فرمانده سپاه برگزین که خیرخواهی وی برای خداوند متعال جل جلاله و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام تو بیشتر، دامن وی پاک‌تر و شکیبایی‌اش برتر باشد؛ از کسانی که دیر به خشم آید، عذرپذیرتر باشد و بر ناتوان رحمت آورد، با قدرتمندان با قدرت برخورد کند، درشتی وی را به تجاوز نکشانند و ناتوانی وی را از حرکت باز ندارد.

احترام مردم و دولت به قوانین

حاکمیت قانون شامل حفاظت از حقوق مالکیت و استقلال قضایی و کنترل فساد است. برقراری حکمرانی خوب نیازمند چارچوب‌های قانونی عادلانه است که ویژگی بی‌طرفانه دارد. در این چارچوب باید از حقوق همه افراد به ویژه حقوق محرومان محافظت شود. اجرای این‌گونه قوانین در فضای بی‌طرفانه و مبتنی بر انعطاف، نیازمند دستگاه قضایی مستقل و نیروی پلیس بی‌طرف و عاری از فساد است. اینکه تا چه حد میزان قوانین در یک جامعه واقعی هستند و می‌توان به اجرای آنها اطمینان داشت با این مؤلفه ارزیابی می‌شود. در این مؤلفه به ویژه کیفیت اجرای قراردادهای، عملکرد محاکم قضایی و نیز میزان احتمال جرم و خشونت در جامعه مد نظر است.

درباره حاکمیت قانون حتی اگر نهادهای قضایی به طور کامل از قاضی‌ها و کارکنان آموزش‌دیده تشکیل شده باشند، این امکان وجود دارد که به وسیله سیاست‌مداران یا قدرتمندان مالی فاسد خریداری شوند. در چنین وضعیتی، نهادهای قضایی بخش دولتی به

جای اینکه بخشی از راه حل باشند، خود مشکل اصلی حکمرانی شمرده می شوند. چنین وضعیتی، مرتبط بودن توصیه های متعارف مانند پدیدساختن سازمان های مبارزه با فساد در بخش دولتی، تصویب قوانین مبارزه با فساد، برگزاری دوره های مطالعاتی و کارآموزی برای قاضی ها و ... را در عرصه بهبود حکمرانی کاهش می دهد. در برابر آنچه اغلب برای بهبود حکمرانی مورد نیاز است، پدیدساختن سازوکارهای نوآورانه مانند روش های نوین برای حل منازعه ها، تأمین امکان مشارکت بیشتر سازمان های غیردولتی و دیگر ترتیب های نهادی جدید، راهبردهای اشاعه به وسیله رسانه های گروهی و بهره برداری کامل تر و شفاف تر از داده ها و اطلاعات موجود در درون و خارج از بخش دولتی است.

یکی از اموری که امام علی علیه السلام به آن توجه جدی داشتند، قانون مدار بودن و اجرای قانون الاهی بود؛ در این باره می فرماید:

اموری که برای تو شبهه ناک هستند به خداوند متعال جل جلاله و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بازگردان؛ زیرا خداوند متعال جل جلاله برای مردمی که علاقه داشته هدایتشان کند فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا و رسول و امامانی که از شما هستند اطاعت کنید و اگر در چیزی نزاع دارید آن را به خدا و رسولش بازگردانید».

در جایی دیگر فرمود: «پس بازگرداندن چیزی به خداوند متعال جل جلاله یعنی عمل کردن به قرآن کریم و بازگرداندن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یعنی عمل کردن به سنت وی که وحدت بخش است نه عامل پراکندگی».

برای پدیدساختن حاکمیت قانون حضرت علی علیه السلام دو منبع قانون گذاری مستحکم و خلل ناپذیر را معرفی می کنند که این دو منبع قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که چنان که به این منابع عمل شود به قوانین کشور خللی وارد نمی آید.

امام علی علیه السلام به وجود نهاد قضایی مستحکم و قوی اشاره داشته و به مالک اشتر بالله می فرماید: «پس از میان مردم برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن؛ کسانی که مراجعه فراوان آنها را به ستوه نیاورد و برخورد مخالفان با یکدیگر وی را خشمگین نسازد، در اشتباهاتش پافشاری نکند و بازگشت به حق پس از آگاهی برایش دشوار نباشد».

از دیگر راه هایی که حضرت علیه السلام برای پدیدساختن حاکمیت قانون اشاره می کنند، اجرای عدالت در کشور است که در این باره می فرماید: «دوست داشتنی ترین چیزها در نزد تو، در

حق میانه‌ترین، در عدل فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد». درباره عدم تساوی نیکوکار با بدکار می‌فرماید: «هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند؛ زیرا نیکوکاران در نیکوکاری بی‌رغبت و بدکاران در بدکاری تشویق می‌شوند».

تنظیم مناسب قوانین

این مؤلفه به حذف مقررات اضافی و دست‌وپاگیر که در روند اجرایی کشور خلل وارد می‌کند، اشاره دارد. برای تدوین قوانین مناسب باید در هر زمینه افراد متخصص برای تدوین قوانین با در نظر گرفتن بستر و وضعیت کشور تصمیم بگیرند. در زمانی که ما قرار داریم افراد تحصیل‌کرده و متخصص در تمام زمینه‌ها بسیار فراوان است که می‌توانند کشور را در تدوین قوانین مناسب یاری رسانند؛ اما در زمان حضرت علی علیه السلام که با وجود بهتر شدن اوضاع فرهنگی مردم فقط عده معدودی بودند که سواد خواندن و نوشتن پیدا کرده بودند، چندان از افراد متخصص و کاردان خبری نبود؛ اما با این حال حضرت علی علیه السلام در نامه خود به مالک رضی الله عنه به نظام مشورتی برای تدوین قوانین و تصمیم‌گیری‌های حکومتی اشاره کرده است؛ طوری که می‌فرماید: «با اندیشمندان فراوان گفت‌وگو کن و با حکیمان فراوان بحث کن که مایه آبادانی و اصلاح شهرها و برقراری نظم و قانونی است که در گذشته نیز وجود داشت» و «تا می‌توانی با پرهیزکاران و راستگویان بییون».

بنابراین از تمام این موارد چنین برداشت می‌شود که در همه زمان‌ها باید از افراد متخصص و باتجربه برای تدوین قوانین و چگونگی اجرای آن استفاده کرد و فقط از عقل فردی برای این کار استفاده نکرد؛ زیرا عقل جمعی باعث گسترش دامنه دید شده و به تصمیم‌گیری بهتر خواهد انجامید.

پدیدساختن ثبات در جامعه

این شاخص به میزان ثبات رژیم حاکم و رهبران آن، درجه احتمال تداوم حیات مؤثر دولت و تداوم سیاست‌های جاری در صورت مرگ‌ومیر یا تغییر رهبران و دولت مردان کنونی می‌پردازد. ثبات سیاسی پیش‌شرط توسعه اقتصادی در درازمدت است. هر چه در جامعه‌ای قوانین منسجم‌تر و عادلانه‌تر باشد، ثبات بیشتری خواهد داشت؛ بنابراین جلوگیری از نزاع

و مجادله‌های احزاب و گروه‌ها، برخورد مناسب با مردم و دوری از تفرقه و دشمنی از مواردی است که به ثبات سیاسی در کشور می‌انجامد.

حضرت علی علیه السلام پیوسته به برخورد رئوفانه با مردم، جلوگیری از اختلاف و درگیری اشاره می‌کنند و در این باره به مالک رضی الله عنه می‌فرماید: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش، مبادا هرگز چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی» و «از خونریزی بپرهیز و از خون ناحق پروا کن که هیچ چیز مانند خون ناحق کيفر الاهی را نزدیک و مجازات را بزرگ نمی‌کند» و «هرگز پیشنهاد صلح دشمن را که خشنودی خداوند متعال جل جلاله در آن است رد نکن که آسایش رزمندگان و آرامش فکری تو و امنیت کشور در صلح تأمین می‌شود».

مبارزه با فساد

فساد عبارت است از: «استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی». آنچه در این مؤلفه مد نظر قرار می‌گیرد این است که قدرت عمومی و دولتی تا چه حد مورد سوءاستفاده و در خدمت منافع شخصی و خصوصی قرار می‌گیرد.

این مؤلفه فسادهای جزئی و کوچک و فسادهای بزرگ و کلان را شامل می‌شود. هر چه نظام سیاسی و دولت در تسخیر ثروتمندان باشد، نشان‌دهنده حکمرانی ضعیف و عکس آن بیانگر رتبه بالاتری از حکمرانی است. حکمرانی خوب، فساد را از راه افزایش آگاهی و تقویت قوانین ضد فساد کاهش می‌دهد. فساد توانایی حکمرانی خوب را تحلیل برده و باعث انحراف تصمیم‌ها و سیاست‌ها می‌شود. افزون بر این فساد به متمرکز کردن ثروت‌ها گرایش دارد و نه فقط شکاف میان فقیر و ثروتمند را افزایش می‌دهد؛ بلکه برای ثروتمندان ابزارهای مشروع حفاظت از موقعیت و منافعشان را تأمین می‌کند. این امر به شرایط اجتماعی که دیگر انواع جرایم را تسهیل می‌کند از جمله بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی کمک می‌کند. فساد افزون بر تضعیف رشد و توسعه، باعث سرمایه‌گذاری کمتر، انحراف آنها و عدم تخصیص بهینه هزینه‌های عمومی نیز می‌شود.

در کشورهای گوناگون اقدام‌هایی برای بازبینی و ترازسازی رهبر سیاسی و مقام‌های ارشد طراحی می‌شود که برخی از این اقدام‌ها عبارت هستند از: افشای عمومی آرا در مجلس، لغو

مصونیت بی‌قید و شرط پارلمانی، افشای منابع و مبالغ تأمین مالی احزاب سیاسی، افشای عمومی درآمدها و دارایی‌های مقام‌های ارشد دولتی و وابستگان درجه اول آنها، تدوین مقرراتی علیه تضاد منافع در میان مقام‌های دولتی، تأمین امنیت شخصی و شغلی آن‌دسته از مقام‌های دولتی که سوءاستفاده دیگر مقام‌ها را از منصب دولتی افشا می‌کنند.

امام علی علیه السلام به مؤلفه مبارزه با فساد اهمیت فراوانی قائل بودند و راه‌هایی برای مهار آن در نامه مالک اشتر رضی الله عنه بیان داشته‌اند. وی به مالک رضی الله عنه می‌فرماید: «همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاول‌گر هستند و در معامله‌ها انصاف ندارند. ریشه ستمکاری آنان را با بریدن اسباب آن، بخشکان و به هیچ‌کدام از اطرافیان و خویشاوندان زمینی را واگذار نکن» و «مبادا هرگز در آنچه با مردم مساوی هستی امتیازی خواهی» و «پس از انتخاب قاضی، هرچه بیشتر در قضاوت‌هایش بیندیش و آن‌قدر به وی ببخش که نیازهایش برطرف شود و به مردم نیازمند نباشد».

در جای دیگر می‌فرماید:

از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کرده وی را با تازیانه کیفر کن و آنچه از اموال که در اختیار دارد از او بازپس گیر، پس وی را خوار دار و خیانتکار بشمار و طوق بدنامی به گردنش بیفکن.

حضرت علی رضی الله عنه راهکارهایی برای مبارزه با فساد ارائه می‌کنند که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. حضرت در ابتدای امر می‌فرماید که اگر حکمران خداترس باشد و خداوند متعال جل جلاله را ناظر بر اعمال خود بداند، دست به تجاوز و تعدی نمی‌زند و از سمت خود برای غارت اموال بیت‌المال سوءاستفاده نمی‌کند؛ پس در درجه نخست حکمران باید به تقویت جنبه معنوی و گرایش به تقوای الهی بپردازد. بعد حضرت رضی الله عنه اشاره دارد که حکمران باید نزدیکان خود را که به دنبال سوءاستفاده هستند از حکومت دور کند و حتی برخورد سختی با آنها داشته باشد، حضرت به مساوی‌بودن افراد در آفرینش اشاره می‌کنند که این امر سبب پدیدآمدن تبعیض و گرایش به فساد نشود. همچنین حضرت رضی الله عنه اشاره دارند که حکمران به افراد منصب‌دار حکومتی آن‌قدر بپردازد که آنها را بی‌نیاز از مردم

گرداند تا افراد به سبب نیازشان مرتکب به فساد نشوند. در انتخاب کارگزاران دولتی اشاره دارد که باید از افراد دارای سابقه نیکو و خاندان با اصل و نصب و شخصیت‌های وارسته انتخاب شوند و بعد از انتخاب این افراد همواره جاسوسانی بر آنها گماشته تا به سبب این نظارت مانع از ارتکاب جرم آنها شود؛ بنابراین وجود نهادهای نظارتی در هر دو دوره به عنوان ابزارهایی برای مهار فساد کارساز است.

تفاوت‌های دیدگاه حضرت علی علیه السلام با دیدگاه بانک جهانی

آنچه که در کلام امیر مؤمنان علیه السلام اهمیت دارد و بانک جهانی به آن توجهی نداشته، بحث تقوا و عبودیت است که در مهار فساد نقش به‌سزایی خواهد داشت؛ البته توجه به وجود تقوا در افراد، بحثی میانه است؛ یعنی افراد باید از نظر درونی خداوند متعال جل جلاله را ناظر بر اعمال خود بدانند و از نظر بیرونی مردم را ناظر بر اعمال خود بدانند. افراد می‌توانند به اعمال مفسدی دست بزنند که دیگران از کار وی مطلع نشوند؛ اما اگر از درون خود به وجود خداوند متعال جل جلاله باور داشته باشند، این توجه به عدم ارتکاب جرم می‌انجامد. اگر فردی خود را در برابر خداوند متعال جل جلاله مسئول بداند بی‌تردید در برابر مردم هم احساس مسئولیت بیشتری خواهد کرد. توجه به تقوا و عبودیت در سیاست‌های بانک جهانی مورد توجه قرار نگرفته است و آنها در کنترل بیرونی افراد کوشیده‌اند؛ حال آنکه همان‌طور که گفته شد اگر فرد خود را مقید نداند می‌تواند اعمال مفسدی انجام دهد و دیگران هم از عملش مطلع نشوند. به همین علت است که بسیاری از سیاست‌های بانک جهانی به درستی محقق نمی‌شود چون آنها فقط در کنترل بیرونی افراد می‌کوشند و در این باره هم، کنترل همیشگی و همه‌جانبه امکان‌پذیر نیست.

از طرفی در کلام حضرت امیر مؤمنان علیه السلام، قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان منابع دینی مستحکم و خلل‌ناپذیر معرفی شده است که در زمان وجود مشکل می‌تواند بهترین راهکارها را ارائه دهد و مالک اشتهر علیه السلام را به این منابع ارجاع داده‌اند؛ حال آنکه در بانک جهانی چنین منابع محکم، مطمئن و خلل‌ناپذیر وجود ندارد و تمام

دستورهای حکومتی آنها برگرفته از عقل محدود بشری است که به مرور زمان نامعتبر و متغیر خواهد بود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

حکمرانی خوب، اداره امور کشور بر اساس حق انتخاب و نظارت مردم و پاسخ‌گویی دولت است. برای تحقق این امور وجود حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و قوانین عادلانه ضروری است. از جمله عوامل پیدایش نظریه حکمرانی خوب می‌توان مواردی مانند: حضور ناکافی چارچوب‌های قانونی، نظام‌های مالی ناکارآمد، سازوکارهای نظارتی ناکافی، دخالت سیاسی بیش از حد، عملکرد شرکت‌های دولتی و فساد گسترده در کشورهای در حال توسعه را نام برد. هدف اصلی مطالعه پیش رو بررسی و مقایسه نظریه حکمرانی خوب بانک جهانی با دیدگاه امام علی علیه السلام در نامه مالک اشتر رضی الله عنه است.

۵۹

در نامه مالک اشتر رضی الله عنه، حاکم، فرمانروایی که دستور بدهد و احساس قدرت کند نیست؛ بلکه متصدی کارهای مردم است و باید به تمام ارزش‌های مادی و معنوی مردم احترام بگذارد. نتیجه‌های این مطالعه نشان می‌دهد آنچه که از حکمرانی خوب مورد توجه بانک جهانی است، قرن‌ها پیش مورد توجه حضرت علی علیه السلام بوده است و فقط با توجه به تفاوت‌های ساختاری دو زمان ارائه راهکارها برای رسیدن به حکمرانی خوب کمی متفاوت بود؛ حال آنکه حقیقت حکمرانی خوب در دو دوره یکی بوده و آن اداره هر چه بهتر کشور به دور از هرگونه ظلم، تبعیض، فساد، بی‌عدالتی، عدم مساوات، تجاوز به حقوق افراد، ناکارآمدی دولت و ... است؛ البته در کلام حضرت علی علیه السلام به تقوا و عبودیت توجه فراوانی شده است که خود عاملی برای دفع فساد می‌باشد و از طرفی هم در کلام حضرت امیر مؤمنان علیه السلام، قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان منابع دینی مستحکم و خلل‌ناپذیر معرفی شده است که در زمان وجود مشکل می‌تواند بهترین راهکارها را ارائه دهد.

منابع و مأخذ

۱. استریتن، پل؛ حکمرانی خوب: پیشینه و تکوین مفهوم؛ ترجمه حمیدرضا ارباب، احمد میدری و جعفر خیرخواهان؛ تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۹۹۶م.
۲. امیدی، علی؛ «حکمرانی خوب و چگونگی اداره کارآمد مناطق در ایران»؛ فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ش ۲۴، ۱۳۸۹.
۳. بانک جهانی؛ نظرسنجی حکمرانی؛ ترجمه: افشین خاکباز؛ تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۹۹۹م.
۴. برادران شرکاء، حمیدرضا؛ حکمرانی خوب کلید توسعه آسیای جنوب غربی؛ تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، کمیته پژوهش برنامه و بودجه، ۱۳۸۶.
۵. ——— و سعید ملک‌الساداتی؛ «بر اساس شاخص‌های بانک جهانی تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب»؛ فصلنامه راهبرد، ش ۴۹، ۱۳۸۷.
۶. پیمان، اخوان و مصطفی جعفری؛ «نظریه‌پردازی و آزمایش نظریه‌ها در حوزه مدیریت دانش»؛ فصلنامه مدیریت فردا، ش ۱۵-۱۶، ۱۳۸۵.
۷. توماس، وینود؛ حکمرانی خوب و مبارزه با فساد؛ ترجمه عباس مخبر؛ تهران: دفتر بررسی‌های اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۲۰۰۰م.
۸. حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین؛ بررسی تطبیقی نظریه حکمرانی خوب با آموزه‌ها و سیره حکومت امام علی علیه السلام؛ تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳.

۹. دانایی‌فرد، حسن و همکاران؛ «تحول در رفاه ملی: آیا حکمرانی خوب نقش مهمی ایفا می‌کند؟»؛ فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های مدیریت در ایران، دوره شانزدهم، ش ۴، ۱۳۹۱.
۱۰. رزمی، محمدجواد و سمیه صدیقی؛ «الزامات تحقق حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه انسانی»؛ تهران: چهارمین همایش ملی اقتصاد ایران، ۱۳۹۱.
۱۱. شاه‌آبادی، ابوالفضل و آمنه جامه‌بزرگی؛ «نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه»؛ فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه، س ۱، ش ۲، ۱۳۹۲.
۱۲. محمدعلیپور، فریده و رضا رحیمی عماد؛ «علل شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران و نظریه حکمرانی خوب: مطالعه موردی حکومت ایران در سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۵۷»؛ مجله پژوهشنامه متین، ش ۵۹، ۱۳۹۲.
۱۳. فاضل لنکرانی، محمد؛ آیین کشورداری از دیدگاه امام علی علیه السلام؛ تقریر و تنظیم: حسین کریمی؛ ج ۱، چ ۷، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.
۱۴. قلی‌پور، رحمت‌الله؛ «تحلیل رابطه الگوی حکمرانی خوب و فساد اداری»؛ فصلنامه مدیریت سازمانی، ش ۱۰، ۱۳۸۴.
۱۵. کایر، آنه مته؛ حکمرانی (مفاهیم کلیدی)؛ ترجمه ابراهیم گلشن و علی آدوسی؛ تهران: انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۶.
۱۶. مبارک، اصغر و زیبا آذر پیوند؛ «نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۹، ش ۳۶، ۱۳۸۸.
۱۷. منصوریان، یزدان؛ «گراند تئوری چیست و چه کاربردی دارد؟»؛ اصفهان: ویژه‌نامه همایش علم اطلاعات و جامعه اطلاعاتی، ۱۳۸۶.
۱۸. مهربانی، امیر حمزه و همکاران؛ «معرفی روش‌شناسی داده‌بنیاد برای تحقیقات اسلامی؛ ارائه یک نمونه»؛ فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت سازمانی، ش ۲۳، ۱۳۹۰.

۱۹. میدری، احمد؛ جعفر خیرخواهان؛ حکمرانی خوب، بنیان توسعه؛ تهران: دفتر بررسی اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳.
۲۰. نادری، محمدمهدی؛ «حکمرانی خوب، معرفی و نقد اجمالی»؛ مجله اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ش ۱، ۱۳۹۰.

21. Allan, G.; "A critique of using grounded theory as a research method"; **Electronic Journal of Business Research Methods**, Vol.2 No.1, 2003.
22. Drake, Elizabeth and Malik, Ambreen; **Good Governance and the World Bank**; Edited by Vivien Collingwood, Nuffield College, University of Oxford, 2001.
23. Miles, M. And Huberman, A.; **Qualitative data analysis: a sourcebook of new methods**; Sage London, Beverly Hills, 2002.
24. Powell, R.; "Recent trends in research: a methodological essay"; **Library and Information science Research**, vol. 21 No.1, 1999.
25. Selden, I.; "On grounded theory with some malice"; **Journal of Documentation**, Vol. 61 No.1, 2005.
26. Strauss, A and Corbin, J; **Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Technique** (2nd Edition); Sage, Newbury Park, London, 1998.